

۱- در جغرافیای عرفانی، آمیخته‌ای از نور و ظلمت است.

« پاسخ »

در جغرافیای عرفانی، مغرب وسطی آمیخته‌ای از نور و ظلمت است.

۲- واجب‌الوجود در فلسفه‌ی شیخ اشراق، نام می‌گیرد.

« پاسخ »

واجب‌الوجود در فلسفه‌ی شیخ اشراق، نورالانوار نام می‌گیرد.

۳- از نظر سهروردی، سیر و سلوک روحانی بدون تربیت عقلانی است.

« پاسخ »

از نظر سهروردی، سیر و سلوک روحانی بدون تربیت عقلانی گمراه‌کننده است.

۴- فیلسوف اشراقی، آنچه را با استدلال به دست آورده است با درمی‌یابد.

« پاسخ »

فیلسوف اشراقی، آنچه را با استدلال به دست آورده است با شهود قلبی یا تجربه‌ی درونی درمی‌یابد.

۵- سهروردی حکمت استدلالی شیخ‌الرئیس را با به کمال رساند.

« پاسخ »

سهروردی حکمت استدلالی شیخ‌الرئیس را با کشف و شهود قلبی به کمال رساند.

۶- از نظر ابن‌سینا، دانشمندی که از ظاهر پدیده‌ها عبور کرده به و در برابر حق می‌رسد.

« پاسخ »

از نظر ابن‌سینا، دانشمندی که از ظاهر پدیده‌ها عبور کرده به خشوع و خشیت در برابر حق می‌رسد.

۷- از نظر ابن‌سینا، خداوند عالم طبیعت را با پدید آورده است.

« پاسخ »

از نظر ابن‌سینا، خداوند عالم طبیعت را با لطف و عنایت خویش پدید آورده است.

۸- کتاب نوشته‌ی ابن‌سینا، خلاصه‌ای از کتاب اوست.

« پاسخ »

کتاب نجات نوشته‌ی ابن‌سینا، خلاصه‌ای از کتاب شفا اوست.

۹- ابن‌سینا رساله‌ی را به زبان فارسی نگاشته است.

« پاسخ »

ابن‌سینا رساله‌ی دانشنامه‌ی علایی را به زبان فارسی نگاشته است.

۱۰- آیا فلسفه‌ی اشراق سهروردی از فلسفه خارج وارد عرفان شده یا هم‌چنان فلسفه باقی مانده است؟

« پاسخ »

۱۱- میان نام‌گذاری فلسفه‌ی سهروردی به «اشراق» و استفاده از مفهوم «نور» به جای «وجود» چه رابطه‌ای هست؟

« پاسخ »

۱۲- با توجه به تعریف حکمت اشراق، حکمت مشاء با اشراق و نیز سیر و سلوک معنوی عرفا با حکمت اشراق چه تفاوتی دارند؟

« پاسخ »

۱۳- ابن‌سینا در داستان عرفانی - فلسفی «حی بن یقظان» آورده است:

«نیکویی وی پرده‌ی نیکویی وی است و آشکار شدن وی سبب پنهان شدن وی است. چنان‌که آفتاب اگر چند اندکی پنهان شد، بسیار آشکارا شد و چون سخت پیدا شد، اندر پرده شد. پس، روشنی وی پرده‌ی روشنی وی است.» مقصود ابن‌سینا چیست؟ آیا می‌توانید آنرا توضیح دهید؟

« پاسخ »

۱۴- شهرت ابن‌سینا در طب و طبیعت‌شناسی کم‌تر از فلسفه نیست. پس، چرا نگاه او به طبیعت با نگاه کسی که فقط در زیست‌شناسی یا طبیعت‌شناسی تخصص دارد، متفاوت است؟ آیا این قبیل تفاوت‌ها را امروزه هم می‌توان مشاهده کرد؟

« پاسخ »

۱۵- چگونه ابن سینا طبیعت را یک مجموعه‌ی دارای اعتدال و رو به کمال می‌داند، در عین حال که از اموری مانند مرگ، سیل، زلزله و نظایر آن هم آگاهی دارد؟

« پاسخ »

۱۶- چرا ابن سینا عالم طبیعت را هدفمند می‌داند و برای آن هدف و مقصد قائل است؟

« پاسخ »

۱۷- از زندگی ابن سینا چه نکاتی را می‌توان برداشت کرد؟ (۲ مورد)

« پاسخ »

۱۸- در تطبیق حکمت اشراقی، صدرایی و مشائی، کدام گزینه همه‌ی اصطلاحات مترادف محسوب می‌شوند؟
(۱) غنی بالذات - نورالانوار - واجب‌الوجود بالغیر
(۲) ممکن‌الوجود بالذات - پرتو نور - غنی بالذات
(۳) پرتو نور - واجب‌الوجود بالغیر - فقیر
(۴) واجب‌الوجود بالذات - غنی بالذات - پرتو نور

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. پرتو نور همان موجودات ممکن هستند که در فلسفه‌ی صدرایی، فقیر و در فلسفه‌ی مشایی، ممکن‌الوجود بالذات یا واجب‌الوجود بالغیر نامیده می‌شوند. خداوند نیز در این فلسفه‌ها به عنوان مبدأ هستی، واجب‌الوجود بالذات، نورالانوار و غنی بالذات نامیده می‌شود.

۱۹- براساس اصطلاح‌شناسی حکمت اشراق، در کدام گزینه همه‌ی اصطلاحات همسان محسوب می‌شوند؟

- (۱) مشرق، عالم طبیعت، کمال، رستگاری
- (۲) مغرب، ظلمات، عالم ماده، نقص و کاستی
- (۳) نورالانوار، ذات الهی، حقیقت، پرتو نور
- (۴) حکیم متاله، فیلسوف سالک، حکیم حقیقی، عارف بی‌برهان

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عالم ماده، همان مغرب و عالم ظلمات است. در گزینه‌ی ۱، عالم طبیعت ناهمسان؛ در گزینه‌ی ۳، «پرتو نور» ناهمسان و در گزینه‌ی ۴، عارف بی‌برهان، ناهمسان است.

۲۰- سهروردی «رستگاری» را در چه می‌داند؟

- (۱) وصول کامل به روشنی محض
(۳) اشراق و تابش نور
(۲) گذر از جهان ظلمات
(۴) مشاهده‌ی مشرق کامل

« پاسخ »

- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. سهروردی معتقد است که رستگاری عبارت است از وصول کامل به روشنی محض. بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۲: گذر از جهان ظلمات لزوماً به معنای رسیدن به نور محض نیست.
گزینه ۳: اشراق و تابش، عمل خداوند است نه موجودات دیگر که خودشان حاصل این اشراق‌اند.
گزینه ۴: مشاهده‌ی مشرق کامل به معنای مشاهده‌ی عالم فرشتگان است نه مشاهده‌ی خداوند و نورالانوار. زیرا مشرق کامل عالم ملکوت است.

۲۱- کدام گزینه با جهان‌شناسی اشراقی ناسازگار است؟

- (۱) همه چیز پرتوی از نور ذات خداوند است.
(۳) کل وجود جهان حاصل عنایت انوار است.
(۲) هر کمالی در جهان، رحمت نورالانوار است.
(۴) اشراق الهی موجب و وجوددهنده‌ی انوار است.

« پاسخ »

- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اولاً اصطلاح عنایت مربوط به فلسفه‌ی ابن‌سینا است و اوست که می‌گوید موجودات حاصل عنایت خداوند و سهروردی می‌گوید موجودات حاصل اشراق و تابش خدا هستند. ثانیاً کل موجود جهان حاصل عنایت و پرتو انوار نیست، بلکه حاصل پرتو نور مطلق یا همان نورالانوار است. «انوار» جمع نورهاست؛ یعنی همه‌ی موجودات.

۲۲- مشرق کامل همان است که در آن حکیم حقیقی

- (۱) نورالانوار - به حقیقت محض دست می‌یابد.
(۳) عالم ملکوت - حقیقت را می‌بیند.
(۲) عالم عقول - به وصال نورالانوار نایل می‌شود.
(۴) عالم مجردات - به نور محض تبدیل می‌شود.

« پاسخ »

- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مشرق کامل همان عالم عقول است که حکیم اشراقی در آن به قرب به نورالانوار نایل می‌شود.

۲۳- در کدام گزینه، همه‌ی اصطلاحات با خداوند مترادف هستند؟

- (۱) نورالانوار - ذات نخستین - مشرق کامل
(۳) نور محض - ذات نخستین - نورالانوار
(۲) مشرق کامل - نورالانوار - نور محض
(۴) نور عالم - پرتو نور - ذات نخستین

« پاسخ »

- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مشرق کامل، خدا نیست بلکه مرتبه‌ای از جهان هستی است که فراتر از عالم ماده محسوب می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۲). «پرتو نور» نیز سایر موجوداتند که از خدا به عنوان نور محض پدید آمده‌اند.

۲۴- براساس اصطلاحات حکمت اشراق، تفاوت موجودات در آن‌هاست.
 (۱) ذات و ماهیات (۲) شدت و ضعف نورانیت (۳) غنی و ضعیف (۴) وجود و ماهیت

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. همه‌ی موجودات در حکمت اشراق نور نامیده می‌شوند. با این تفاوت که برخی نورانیت بیش‌تر و برخی نورانیت کم‌تری دارند. بنابراین، تفاوت موجودات به شدت و ضعف نورانیت آن‌ها برمی‌گردد.

۲۵- حکیم متأله از دیدگاه شیخ اشراق، کسی است که
 (۱) عطش و شوق معرفت را در تمام عمر نگه داشته و در فلسفه‌ی استدلالی به کمال رسیده است.
 (۲) معرفت ظاهری را پشت سر گذارده و در فلسفه‌ی استدلالی به کمال رسیده است.
 (۳) وجود خود را در «نورالانوار» غرق کرده و ظلمت‌ها را از خود، دور کرده است.
 (۴) اشراق و عرفان را تحصیل کرده و در صور برهانی به حد کمال رسیده است.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حکیم متأله باید جمعی از فلسفه و عرفان باشد. پس هم اشراق و عرفان را تحصیل کرد و هم در صور برهانی به حد کمال دست یافته است.

۲۶- به نظر شیخ اشراق، حکم واقعی چه کسی است؟
 (۱) کسی که علم حضور را با تهذیب نفس به دست آورد.
 (۲) کسی که علوم شهودی را با سیر و سلوک قلبی به دست آورد.
 (۳) کسی که به حکمت مشرقی ایمان آورده است.
 (۴) کسی که دانش عقلی و بینش عرفانی را با هم آمیخته باشد.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حکیم واقعی در نظر شیخ اشراق، جمع عقل و دل را با هم دارد. پس هم در معرفت شهودی و سیر و سلوک قلبی به مراتب عالی رسیده و هم در بحث و استدلال ماهر و تواناست.

۲۷- از نظر سهروردی، ریاست حکیم متأله از راه نیست؛ یعنی
 (۱) زور و قدرت - او حقیقتاً خلیفه‌ی خداست؛ حتی اگر مردم او را نشناسند و از ریاستش آگاه نباشند.
 (۲) قهر و غلبه - همواره مردم با او از در آشتی و صلح درخواهند آمد و ریاستش را قلباً پذیرفته‌اند.
 (۳) منطق و استدلال - او از طریق شهود این مقام را کسب کرده و مردم نیز با شهود خلافتش را پذیرفته‌اند.
 (۴) بحث و جدل - ریاست او از جانب خدا معین شده و هرکسی که به خدا ایمان دارد، او را می‌پذیرد.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. از نظر سهروردی، ریاست حکیم متأله از راه قهر و غلبه نیست؛ یعنی حتی گاه کسی نمی‌داند که او خلیفه‌ی خداست و حکیم متأله در نهایت گمنامی به سر می‌برد.

- ۲۸- کدام گزینه درباره‌ی دیدگاه سهروردی در مورد جانشین خدا در میان مردم نادرست است؟
- ۱) همواره چنین کسی در دنیا حضور دارد.
 - ۲) همان حکیم متأله است که در نهایت خفا زندگی می‌کند.
 - ۳) امام متأله است که گاه در ظاهر مستولی است.
 - ۴) حقایق را از مصدر جلال دریافت می‌کند.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. همواره در جهان، یک امام متأله حضور دارد که یا در نهایت گمنام یا آشکار است. پس لزوماً در خفا زندگی نمی‌کند.

- ۲۹- از نظر شیخ اشراق، ریاست تأله شایسته‌ی بوده و گواهی است بر این که این ریاست از راه قهر و غلبه نیست.

- ۱) حکیم متأله - خلافت و جانشینی خدا
- ۲) حکیم جامع عرفان و برهان - ریاست تأله بر گمنامان
- ۳) حکیم غرق در تأله و استاد در بحث - تدابیر نورانی و درخشش جهان
- ۴) فیلسوف کامل در استدلال و اشراق - استیلاهی نهایی

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. سهروردی می‌گوید: هرگاه اتفاق افتد که در زمانی حکیمی غرق در تأله بوده و در بحث نیز استاد باشد، او را ریاست تأله بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست و البته مراد من از این ریاست، ریاست از راه قهر و غلبه نیست؛ بلکه گاه باشد که امام متأله در ظاهر مستولی باشد و گاه به طور نهانی.

- ۳۰- حکیم متأله از نظر سهروردی کیست؟

- ۱) آنانی که در صور برهانی و عرفان به کمال دست یافته‌اند.
- ۲) امثال فارابی که در فلسفه‌ی استدلالی به کمال رسیده‌اند.
- ۳) آنان که درون را به نور معرفت روشنی بخشیده‌اند.
- ۴) این‌سینا که همه‌ی مدارج دانایی را طی کرده است.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. از نظر شیخ اشراق، حکیم متأله کسی است که هم در برهان و استدلال به کمال رسیده است و هم در عرفان.

- ۳۱- سهروردی در بحث «جویندگان معرفت» چه کسانی را در گروه دوم قرار داده است؟
- ۱) آنانی که تازه عطش و شوق معرفت یافته‌اند.
 - ۲) آنانی که در فلسفه‌ی استدلالی به کمال رسیده‌اند ولی از ذوق و عرفان بی‌بهره‌اند.
 - ۳) آنانی که به استدلال توجه ندارند و با تهذیب نفس درون را روشنی بخشیده‌اند.
 - ۴) آنانی که فقط متکی بر استدلال‌های جدلی هستند.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. گروه دوم آنانی‌اند که تنها در استدلال و فلسفه‌ی مشائی توانایی دارند؛ اما از عرفان و معرفت شهودی بی‌بهره‌اند.

- ۳۲- بنابر دیدگاه سهروردی، حکیم واقعی کسی است که

- ۱) عقل و استدلال را بر حس برتری دهد.
- ۲) دانش عقلی را به تجربه‌ی دل برساند.
- ۳) عرفان را با تصوف و طریقت همراه سازد.
- ۴) آن‌چه را به تجربه می‌داند، با عقل محک زند.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. حکیم واقعی دانش عقلی و بینش عرفانی را با هم دارد. دانش نتیجه‌ی فلسفه و تجربه‌ی دل همان معرفت شهودی و عرفانی است.

- ۳۳- از نظر شیخ اشراق، نقصان عارف و فیلسوف، به ترتیب به چه عواملی برمی‌گردد؟

- ۱) فقدان تفکر تحلیلی - فقدان تجربه‌ی اسرار الهی
- ۲) سلوک طریق قدسی - جست‌وجوی حقیقت
- ۳) عقل نظری - عقل عملی
- ۴) سلوک بدون تربیت عقلی - استدلال بی‌حاصل

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. همان‌گونه که سالک طریق قدسی؛ یعنی عارف که فاقد نیروی تفکر تحلیلی (حکمت بحثی و استدلالی) است تنها یک عارف ناقص و غیرکامل است، همین‌طور هم جست‌وجوگر حقیقت؛ یعنی فیلسوف، اگر فاقد تجربه‌ی مستقیم و بی‌واسطه‌ی اسرار الهی باشد، فقط فیلسوفی ناقص است. گزینه‌ی ۲ بیانگر وجه نقصان عارف و فیلسوف نیست. گزینه‌ی ۳ هر چند قسمت اول آن بتواند درست باشد؛ اما قسمت دوم وجه نقصان فیلسوف نیست، چراکه عقل عملی در فلسفه هم وجود دارد. در گزینه‌ی ۴ نیز قسمت اول درست است؛ اما در قسمت دوم پاسخ «استدلال بی‌حاصل» ربطی به وجه نقصان فیلسوف ندارد؛ بلکه «استدلال محض» برای فیلسوف به «بی‌حاصلی» می‌انجامد.

۳۴- از نظر سهروردی نتیجه‌ی فلسفه‌ی بی‌سلوک و سلوک بی‌فلسفه، به ترتیب چیست؟

- (۱) فراتر نرفتن از عقل نظری - بهاندادن به برهان و استدلال
- (۲) گمراهی - کفر و بی‌دینی
- (۳) عدم اکتفا به استدلال محض - دریافتن بحث و نظر به ذائقه‌ی دل
- (۴) بی‌حاصلی - گمراهی

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. سهروردی تحقیق فلسفی به شیوه‌ی استدلالی محض را بی‌حاصل می‌داند و سیروسلوک روحانی را هم بدون تربیت عقلی و استدلالی موجب گمراهی قلمداد می‌کند.

۳۵- کدام گزینه درباره‌ی فیلسوف اشراقی نادرست است؟

- (۱) به سیروسلوک نفس آدمی معتقد است.
- (۲) به استدلال و برهان بهایی نمی‌دهد.
- (۳) نور را حقیقت واحد و ذات الهی می‌داند.
- (۴) عقل و دل را در کنار هم گرامی می‌دارد.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. فیلسوف اشراقی هم به استدلال و برهان معتقد است و هم به طی طریقت به شیوه‌ی عرفا.

۳۶- کدام یک از موارد زیر بیان‌گر روش کامل حکمت اشراق نیست؟

- (۱) ذوق عرفانی و نیروی عقلانی
- (۲) قیاس برهانی و سلوک قلبی
- (۳) دانش عقلی و بینش شرعی
- (۴) سیروسلوک قلبی و تهذیب نفس

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. حکمت اشراق چون نوعی فلسفه است، قطعاً با رویکرد استدلال و برهان پیش می‌رود. با این تفاوت که از شهود قلبی و تجربه‌ی معنوی نیز بهره می‌گیرد. پس حکمت اشراق دو جنبه دارد: استدلال و برهان و شهود و طریقت. در حالی که در گزینه‌ی ۳ از عقل (استدلال) و شرع صحبت شده است.

۳۷- کدام گزینه برخورد فکری سهروردی به ابن‌سینا را نشان می‌دهد؟

- (۱) گرچه به ابن‌سینا بسیار احترام می‌گذاشت؛ اما فلسفه‌اش را مردود و منحرف می‌دانست.
- (۲) از پیروان راستین ابن‌سینا محسوب می‌شد؛ گرچه نتوانست مسیر او را ادامه دهد.
- (۳) حکمت استدلالی ابن‌سینا را پذیرفت و آن‌را با تطابق احکام دین به کمال رساند.
- (۴) جنبه‌ی استدلالی و برهانی فلسفه‌ی ابن‌سینا را پسندید و آن‌را با معرفت شهودی درآمیخت.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. سهروردی برای ابن‌سینا احترام زیادی قائل بود و آن هم به دلیل جنبه‌های استدلالی قوی در فلسفه‌ی او بود؛ اما سعی کرد به رویکرد استدلالی و برهانی ابن‌سینا، رنگ و بوی عرفانی و ذوقی هم بدهد.

۳۸- کدام گزینه درباره‌ی سهروردی نادرست است؟

- (۱) به «شیخ اشراق» و «حجة‌الحق» معروف بود.
- (۲) به مقامات عالی عرفان نائل شده بود.
- (۳) پایه‌گذار مکتب فلسفی جدیدی در اسلام بود.
- (۴) معرفت شهودی را وارد فلسفه‌اش کرد.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. سهروردی به شیخ اشراق معروف است؛ اما لقب «حجة‌الحق» مربوط به ابن‌سیناست نه سهروردی.

۳۹- ابیات زیر با کدام گزینه قرابت فکری بیش‌تری دارد؟

- «هر سو که دویدیم همه روی تو دیدیم / هر جا که رسیدیم سر کوی تو دیدیم
هر سرو روان را که در این گلشن دهر است / بر رُسته‌ی بُستان و لب جوی تو دیدیم»
- (۱) جهان هستی بهترین نظامی است که می‌توانست موجود شود.
 - (۲) خداوند از روی لطف و عنایت، جهان هستی را خلق کرده است.
 - (۳) تمامی پدیده‌های عالم هستی، از یک مبدأ وجودی سرچشمه گرفته‌اند.
 - (۴) همه‌ی پدیده‌های عالم طبیعت، رو به سوی خیر و کمال خویش دارند.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم ابیات این است که همه چیز در این جهان، مخلوقات خداوند هستند. پس کل اشیا را در پیوند و رابطه با مبدأ وجود می‌بیند.

۴۰- کدام گزینه نقطه‌ی مشترک دانشمندان علوم طبیعی و ابن‌سینا است؟

- (۱) پیوند عقلانی امور جزئی در بینشی کلی به جهان
- (۲) شمول دایره‌ی مطالعه و تحقیق
- (۳) درک طبیعت به عنوان مرتبه‌ای از هستی
- (۴) عدم پیروی از روش تجربی

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. به نظر ابن‌سینا مطالعه و تحقیق همه‌ی مراتب وجود را شامل می‌شود و توجه به مرتبه‌ای از هستی، او را از دیگر مراتب غافل نمی‌سازد. او می‌کوشد چیزهای جزئی را که از راه تجربه به دست می‌آورد، به اتکای نیروی عقلانی در یک بینش کلی نسبت به جهان، به یک‌دیگر پیوند دهد. این ویژگی‌ها در دانشمندان علوم طبیعی نیست؛ اما هم ابن‌سینا و هم این دانشمندان، از روش‌های تجربی نیز برای کشف روابط میان پدیده‌ها استفاده می‌کنند.

- ۴۱- به نظر ابن سینا کدام علم است که خشوع و خشیت را در نهاد دانشمند تقویت می‌کند؟
- (۱) علم شهودی به هر چیز که در وجود دانشمند ایجاد شناخت بی‌واسطه می‌کند.
 - (۲) علم باطنی به هر چیز که سبب حرکت و سکون اشیا می‌شود و کل عالم می‌شود.
 - (۳) علم حقیقی به هر چیز که در پرتو ارتباط آن با مبدأ وجود حاصل می‌شود.
 - (۴) علم واقعی به هر چیز که موجب اعتدال و هماهنگی روحی خود دانشمند می‌شود.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ابن سینا معتقد است که علم حقیقی به هر چیز که در پرتو ارتباط آن با مبدأ وجود حاصل می‌شود، باعث احساس خشیت و خشوع دانشمند نسبت به خالق می‌شود.

- ۴۲- عبارت زیر با کدام گزینه سازگاری بیشتری دارد؟

«ذات هر چیزی از اوست؛ زیرا ذات هر چیز یا از او پدید آمده یا از چیزی پدید آمده که خود آن چیز را خداوند به وجود آورده است.»

- (۱) حکمت کامل آفریدگار را می‌توان در همه‌ی پدیده‌ها مشاهده کرد.
- (۲) اجزای جهان هستی چنان هماهنگ خلق شده‌اند که نظامی احسن باشند.
- (۳) تنها با درک رابطه‌ی میان پدیده‌ها و مبدأ وجود است که می‌توانیم به خشوع برسیم.
- (۴) هر موجودی در طبیعت، در ذات خویش نیازمند و معلول مبدأ هستی است.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. باید دقت کنیم که این نوع از سوالات، کمی مفهومی‌اند و باید تناسب فکری گزینه‌ها را بیابیم نه این‌که درستی و نادرستی جملات هر گزینه را بررسی کنیم. همه‌ی گزینه‌ها جملاتی درست در حیطه‌ی فلسفه‌ی ابن سینا هستند؛ اما تنها گزینه‌ی چهارم به چیزی اشاره می‌کند که در صورت سؤال نیز از آن صحبت شده است. صورت سؤال نشان‌دهنده‌ی امکان ذاتی اشیا جهان است.

- ۴۳- در فلسفه‌ی مشاء، جهان طبیعت یک «نظام احسن» است. این دیدگاه از کدام اصل فلسفی استخراج شده است؟
- (۱) اصل سنخیت
 - (۲) اصل علیت
 - (۳) بطلان تسلسل
 - (۴) ضرورت علی و معلولی

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اصل سنخیت نشان می‌دهد که جهان هستی انتظام دارد و نظام احسن بودن نیز همین هماهنگی و انتظام است.

۴۴- دیدگاه دقیق ابن‌سینا در مورد شرّ و بدی این است که:

- (۱) شرّی در خلقت نیست؛ زیرا همه‌ی نقص‌ها و بدی‌ها تنها توهم است که شرّ می‌نمایند.
- (۲) وجود همین شرّ و بدی‌هاست که زمینه‌ساز خیر و کمال بیش‌تر در طبیعت می‌شود.
- (۳) نقص و شرّی در جهان نیست؛ چون در باطن امر خداوند هیچ چیز شرّی خلق نمی‌کند.
- (۴) شرّ و بدی در جهان هست؛ اما تلازمی میان شرور و حوادث ویرانگر و نظام کلی جهان نیست.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ابن‌سینا نمی‌گوید که می‌شود وجود برخی بلاایای طبیعی را نادیده گرفت. بلکه معتقد است این امور تنها در سطح جزئی شرّ و بدی محسوب می‌شوند و گرنه زمینه‌ساز خیر و کمال طبیعت در کل هستند.

۴۵- کدام گزینه درباره‌ی مفهوم «عنایت» در نظر ابن‌سینا درست است؟

- (۱) مبدأ درونی اشیاست برای حرکت و سکون.
- (۲) همه‌ی موجودات براساس آن پدید آمده‌اند.
- (۳) ماهیت رازآلود جهان هستی و عالم طبیعت است.
- (۴) عشق و انس میان خالق و طبیعت است.

« پاسخ »

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عنایت شمول علم خداوند است که موجودات عالم بر طبق آن وجود دارند.

۴۶- درباره‌ی علم حقیقی از نظر ابن‌سینا می‌توانیم بگوییم:

- (۱) خشوع و خشیت را در محقق تقویت می‌کند.
- (۲) موجب حیرت و شگفتی دانشمند می‌شود.
- (۳) ماهیت و چیستی اشیا را برملا می‌کند.
- (۴) کاستی احتمالی در جهان هستی را توجیه می‌کند.

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. علم حقیقی موجب می‌شود تا دانشمند با کشف چگونگی خلقت و هماهنگی موجود در طبیعت، به خشیت و خشوع بیش‌تری نسبت به خداوند برسد.

۴۷- از نظر ابن‌سینا، برای تحقیقی در عالم طبیعت چه رویکردی باید اتخاذ کنیم؟

- (۱) از علوم تجربی فاصله بگیریم.
- (۲) وجود را از حیث وجود بررسی کنیم.
- (۳) خشوع و خشیت داشته باشیم.
- (۴) به خالق جهان نیز توجه داشته باشیم.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. از نظر ابن‌سینا، روش مناسب برای تحقیق در عالم طبیعت باید رابطه‌ی پدیده‌ها با مبدأ وجود را نیز در نظر بگیرد.

- ۴۸- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آنرا به سوی خیر و کمال سوق می دهد به شرطی که:
- (۱) با مقصد عالم طبیعت هماهنگ باشد.
 - (۲) شر و بدی بر سر راه طبیعت نباشد.
 - (۳) لطف و عنایت پروردگار شاملش شود.
 - (۴) موانعی در راه آن شیء قرار نگیرد.

« پاسخ »

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آنرا به سوی خیر و کمال سوق می دهد به شرطی که موانعی در راه آن شیء قرار نگیرد.

- ۴۹- از نظر ابن سینا یعنی نظام را تحقق می بخشد.

- (۱) لطف - ممکن - احسن
- (۲) حکمت - ممکن - واجب
- (۳) لطف - موجود - ممکن
- (۴) حکمت - ممکن - احسن

« پاسخ »

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. از نظر ابن سینا لطف و عنایت باری تعالی عالم طبیعت را پدید آورده است و همه ی اجزای آن، چنان تألیف شده اند که بهترین نظام یعنی نظام احسن را تحقق می بخشد.

- ۵۰- ابن سینا معتقد است که درباره ی طبیعت می توانیم بگوییم:

- (۱) به عنوان یک «کل» باید بر اساس تجربه و آزمایش شناخته شود.
- (۲) برترین مرتبه از عالم هستی است که از مبدأ خلقت سرچشمه گرفته.
- (۳) خیر و کمال مطلق است؛ حتی اگر ما قادر به درک این خیر نباشیم.
- (۴) تنها توسط عقل محض و استدلال برهانی می تواند شناخته شود.

« پاسخ »

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. عالم طبیعت پایین ترین مرتبه ی هستی است نه بالاترین آن (رد گزینه ی ۲). طبیعت را نمی توان صرفاً با روش های تجربی یا عقلی محض شناخت؛ زیرا روابط جزئی میان پدیده ها از طریق تجربه و خود طبیعت به عنوان یک کل از طریق عقل محض شناخته می شود. (رد گزینه های ۱ و ۴) طبیعت خیر و کمال مطلق و نظام احسن است؛ حتی اگر ما متوجه کامل بودنش نشویم.